

هدايت به سوي آزادي از طريق صلبي

نوشته «چارلز - آر - سولومون»

زمانيكه اين مقاله را ميخوانيد ممكن است پريشان و آشفته حال باشيد. شايد ديگران نالاميدتان كرده باشنند و خداوند براي كمك به شما خيلي دور به نظر بيايد. ممكن است بدون احساس عشق و محبت، طوريكه به نيازهاي تان پاسخ داده نشده بزرگ شده باشيد. شايد مرگز خودتان را نپذيرفته و دوست نداشتهاي.

احساس بيكفائيتي در كسي كه از عهده مشكلات زندگي برنيامده است، ممكن است شخص را دچار افسردگي كرده و در نهايت او را به فكر خودكشي وادارد. به همين علت، شايد در مرحله قطع رابطه با كسان ي كه دوستشان داريد باشيد، شايد پيش از اين رابطه تان به گونه اي جبران ناپذير قطع شده باشد. اگر شما در اوج نالاميدي و ياس يا افسردگي مطلق هستيد، اين بي غام مناسب موقعيت و وضعيت شماست.

خداوند آنقدر شما را دوست داشت (محبتتان كرد) كه كسي را فرستاد (پسرش، خداوندان عيسي مسيح) تا براي گناهانتان بر روي صليبي بميرد و او را برخيزانيد و از طريق او هر آنچه را كه براي زندگي كامل و پيروزماندانه لازم است براي شما تدارك دي. امروزه شما يا ايمان داريد كه مرگ او به ارزش رايگان گناهانتان پاسخ مي دهد يا خي. اگر ايمان نداريد، اين بي غام ساده و نموداره اي كه آن را شرح مي دهند، ميتوانند به شما كمك كنند تا اين حقيقت را بپذيريد و زندگيتان به محض دريافت و پذيرفتن حيات او (حيات خداوندان عيسي مسيح) تغيري يابد.

شايد به مسيح براي آزديتان اعتماد كرده ايد، ولي حال ايمان دار شكست خورده و خسته اي هستيد كه هنوز به دنبال راهي براي پيروي در زندگي مسيحي خود مي گريد.

اگر هر يك از اين موقعيتها، توصيف كننده شرايط كنوني شماست لطفاً كتاب مقدس خود را باز كنيد و مطالب زير را با دعا مطالعه كنيد. خداوند حتماً اين حقايق را براي شما روشن خواهد كرد.

ساختار وجودي شما

نمودار منحنی شكلي، انسان را به صورت مخلوق سه وجهي متشكلا از روح، نفس و بدن به تصويري مي كشد (اولتسالونيكيان 5:23). با بدن و حواس خود با محيط اطرافمان ارتباط برقرار مي كنيم. نفس يا شخصيت، شامل

كار كرد فاكتر، اراده و احساسات است. نفس ما را قادر مي سازد تا با هم در ارتباط باشيم. روح ما را قادر مي سازد هنگاميكه تولد تازه يافتيم و روحالقدس در ما ساكن شد، فراتر از تواناييها، محدوديتها و موقعيتهاي ما
عمل كنيم. ؟؟؟؟؟

صورت مسئله

روح انسان يا به «آدم» (خانواده شيطان) و يا به «مسيح» (خانواده خداوند) تعلق دارد (نمودار خطي زير را مطالعه كنيد). ما در دنيا به عنوان نسل «آدم» و وارث و شريك طبيعت او زاده شده ايم؛ به اين معنا كه روح ما در نظر خداوند مرده و براي شيطان زنده است. ولي بايد بدانيم كه جايگاه ما در خانواده شيطان نيست! از آنجايي كه زندگي ما از زندگي اولين پدرمان «آدم» سرچشمه مي گيرد، و با رسته اي ناگسستني به او متصل ميشود، از اين رو هنگاميكه او مرتكب گناه شد ما نيز در وي بوديم. در نتيجه، قبل از تولد جسماني گناهكار شده ايم. اگر اينطور باشد، در آن صورت هنگاميكه مرتكب گناه مي شويم، كاري را كه ناشي از طبيعت ما است انجام مي دهيم (روميان 3:23). همانطوري كه در نمودار نشان داده شده است، زندگي وارثان طبيعت «آدم»، عاقبت به موت منتهي ميشود (روميان 6:23). اگرچه ممكن است بنا به گفته مردم زندگي خوب داشته باشيم، ليكن از خدا جدا هستيم، مگر اينكه به واسطه تبديل روحاني در خانواده او تولد دوباره بيابيم.

احتياجات شما

واژه نجات (1) در نمودار منحنی شاكله به اين معناست كه ما بايد تولد روحاني داشته باشيم. همانطور كه در نمودار خطي نشان داده شده تنها از اين طريق ميتوانيم زندگي «آدم» را ترك كنيم و در زندگي «مسيح» كه حياتي است ابدی، متولد شويم (يوحنا 3:3). براي تولد روحاني بايد تشخيص دهيم يا اعتراف كنيم كه زندگي ما در مسير اشتباهي قرار گرفته است و گناهكار متولد شده ايم، از اين رو ارتكاب گناه نتيجۀ اجتناب ناپذير آن است. پس بايد مسيح را كه به خاطر گناهانمان مُرد، در زندگي ما بپذيريم.

در تولد روحاني، كسانيكه حيات روحاني مسيح را در روح خودشان با ايمان مي پذيرند با او يك روح ميشوند (اولقرن تيان 6:17). اگر قرار است كه آنها برسوسه ها پيروز شوند و سلامت و صلح خداوند را در زندگي شان تجربه كنند، در آن صورت بايد از نجاتشان هم اطمينان داشته باشند. اطمينان (2) بايد متكي بر كلام بي نقص خداوند باشد، و گرنه زودگذر و فاني خواهد بود.

بس‌یاری که در فکر خود به خداوند عیسی‌مسیح اعتماد داشته و توکل کرده اند، هنوز به نجات خود اطمینان ندارند، چون احساس می‌کنند که نجات نیافته اند. به واسطه درگیری‌های احساسی - که اکثراً ریشه در خاطرات تلخ دوران کودکی دارند - احساسات و عواطف شخصی به ندرت با واقعیات هماهنگی پیدا می‌کنند، چه آن واقعیات بوسیله کتاب مقدس بیان بشوند و یا این‌که در جهان خارج رخ بدهند. تا زمانی‌که مسیح مرکز زندگی‌هایمان نشود و صدمات و لطمه‌های احساسی‌مان را شفا ندهد، برداشت‌مان از حقایق احتمالاً با آنچه که واقعاً هستند، فرق خواهد کرد.

چه ایمان‌داران قدیمی و چه جدیدی، باید بدانند که به واسطه عیسی‌مسیح وارد رابطه روحانی امن و ابدی با خدا شده‌اند (یوحنا 5:24) و می‌توانند به آن امنیت (3) و آسایش اطمینان‌کنند و از آن لذت ببرند.

در میان ایمان‌دارانی که مسیح را پذیرفته‌اند، تعداد کمی حقیقت پذیرفته شدن در «او» را درک و تجربه می‌کنند. اگرچه پیش از این به واسطه زندگی در مسیح کامل پذیرفته شده‌اند (افسس‌سیان 1:6)، اما بس‌یاری مجبور شده اند این حقیقت را بر مبنای اصول انسانی درک کنند و می‌پندارند پذیرفته شدن از جانب خدا را هم باید خودش‌ان حاصل کنند (4). هر ایمان‌داری پذیرفته شده است، اما خیلی‌ها این پذیرفته شدن و عادل‌ش‌مردگی را با ایمان نمی‌پذیرند (دوم‌قرنتیان 5:21).

تعداد کمی هم هستند که زندگی‌هایشان را بطور کامل به عیسی‌مسیح می‌سپارند (5). این تصمیم برگشت‌ناپذیری است که با آن به خدا اجازه می‌دهیم تا هر کاری را که مایل است در ما، با ما، برای ما و بوسیله ما انجام دهد. یا می‌توان گفت که با این تصمیم تمام حق و حقوق‌مان را تسلیم خدا می‌کنیم.

شاید بارها بعد از این‌که چنین تصمیمی را گرفتیم با این حقیقت روبرو شده ایم که شرایط زندگی رو به انحطاط و تباهی می‌روند، چون خدا به خواسته‌های ما به خاطر نام خودش احترام می‌گذارد تا کنترل کامل زندگی‌مان را در دست بگیرد. اگر قرار است مسیح کنترل زندگی‌مان را در دست بگیرد، در آن صورت ما باید رسی‌دگی و کنترل زندگی‌مان را رها کنیم، و این فرایندی است که معمولاً با اکراه ما همراه است. اغلب خدا اش‌خاص و شرایط عادی و غیر روحانی را بکار می‌گیرد تا رها کردن کنترل زندگی‌مان را به ما بی‌اموزد. گاهی ما متحمل درد و رنج می‌شویم که مستحق آن نیستیم، ولی تنه‌ها در چنین شرایط سختی است که اراده و هدف خداوند در زندگی‌مان تحقق می‌یابد (اول‌پطرس 2:20-21). در شرایط سخت و دشوار اغلب دلیلی برای شادی وجود ندارد، اما همین شرایط سخت، آزمایشی است برای رسیدن به آن تقدسی که انتظار آن را می‌کشیم.

هدف خداوند برای ایمان‌داران این است که آن‌ها را به‌صورت مسیح در بی‌آورد (رومیان 8:29) چنین برابری، عذاب و درد به همراه دارد. «همه چیزها» که

روميان 8:28 بىان مى كند كه براري خيرييت ايشان در كار مي باشن د به ندرت به نظر مى رسد كه برارى خيريت انسان بكار روند.

درگيريهاي دروني

در مركز نمودار منحنى شاكل (بالا) "s" نمايانگر نفس و يا نفسانى بودن است. قدرت نفسانى بودن در زندگي مسيحي بيشتري ايمان داران رو به تزايد است و بسته به هر فرد به اشكال متفاوتى نمايان مى شود. بطوريكه فرد نيازهاي خود را چه از راه مثبت و چه منفي برآورده مى كند. پول، مسائل جسماني، موفقيت، شهرت، احساسات جنسي، قدرت يا بسىارى چيزهاي ديگر هر يك به تنهائى مى تواند مركز توجه و انگيزه اصلي شخص نفسانى باشد. در نتيجه براري فرد ايمان داري كه مي خواهد زندگي ايمانيش را با قدرت خود به پيش ببرد، نفسانىت برار او يك پيروي محسوب مى شود.

نفسانىت مانند بتپرستي براري مسيحيان مشكل مهمى است. براري اينكه وقتي هر چيز ديگري - حتى خودمان را - جايگزين مركزيت مسيحي ميكنيم، حكم بتپرستي را براريمان پيدا ميكنند. خدا با مسأله «نفسانىت» بايد با اقتدار برخورد كند؛ و او معمولاً اين كار را تا زمانيكه ايمان دار خودش را تسليم نكند و مشتاق تبديل زندگيش با زندگي مسيحي نباشد، با آشكار كردن عدم قابليت زندگي خود محور در حل مشكلات زندگي انجام ميدهد.

تا زمانيكه زندگييمان تحت تسلط و كنترل «نفس» است، همانطور كه در قسمتي از نمودار منحنى شاكل نشان داده شده به همان نسبت هم درگيريها در «درون آدمي» ادامه خواهند داشت. شايد با گذشت زمان اين درگيريها بيشتري هم شوند. گهگاه يك زندگي خود محورانه كه از نظر رواني نيز كاملاً سالم مى باشد مى تواند برار او يك مدت طولاني با شرايط زندگي كنار بيايد، اما نتيجه اين زندگي هميشه هم رضائيت بخش نخواهد بود.

كمبوده اي رواني، به همراه گناه درجات مختلف انكامي را در زندگي نفساني فراهم ميكنند. اين انكامي بايد به يك نحوي جبران شود... بعضيه اين كار را با ضرب زدن - مادي يا كلامي - و يا تحقير كردن ديگران انجام مى دهند. در حاليكه برخي ديگر انكامي و خشم خود را سركوب مى كنند چون هميشه خودشان را به خاطر هر مشكلي كه با آن روبرو مى شوند سرزنش مى كنند. زمانيكه به هر دليلى پرخاشگري و انكامي سركوب شدند، ذهن و درون آدمي تحت تاثير قرار مى گيرند. كسانى كه از ابراز پرخاشگري و خشم شان خودداري مى كنند، اغلب دچار افسردگي و نگراني مى شوند. بعضيه افراد ميتوانند فكريشان را براري هر نوع انحراف، تكذيب و رد واقعييت بكار گيرند. اين كار آنها را قادر مي سازد تا از لزوم برخورد با مشكل حقيقي شان يعني زندگي نفساني فرار كنند.

وقتي كه درگيريهاي رواني برار او مدت طولاني ادامه يابند، همانطور كه در نمودار نيز نشان داده شده است، در نهايت منجر به بيماري جسمي مى شوند.

این بی‌ماری اگرچه واقعی است، اما نشانه مسأله عمیق‌تری می‌باشد که همان زندگی نفسانی است. به همین دلیل در نمودار، مشکلات روانی در بخش «درون آدمی» نشان داده شده‌اند.

رهایی و رستگاری

این مشکلات جسمی و روانی، زمانی که مشخص در یابد خدا چگونه با مشکلات اساسی از طریق از بین بردن زندگی نفسانی برخورد می‌کند، ناپدید می‌شوند.

نمودار خطی، اصل «زندگی رها شده از مرگ» را نشان می‌دهد، که همان روش خدا برای حل درگیری‌های درونی است. خط افقی معرفی کننده زندگی ابدی است که همان زندگی مسیح می‌باشد. توضیح آن این است که ابدی بودن، آغاز و پایانی ندارد و از مرز زمان تجاوز می‌کند (ماوراء زمان است). از آنجایی که مسیح خداست، همواره زندگی کرده و تا ابد هم زندگی خواهد کرد. زندگی او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است (عبرانیان 13:8). همان‌طور که در سمت چپ نمودار خطی نمایش داده شده، مسیح «جسم گردید» (یوحنا 1:14) و به صورت انسان تقریباً مدت 33 سال زندگی کرد. سپس بر صلیب آویخته شد، مدفون گشت و در روز سوم از مردگان برخاست (اول‌قرنتیان 4-15:3). اوتامروز زنده است (عبرانیان 7:25) توجه کنید که زندگی ابدی برای ایمان‌داران تنها يك واقعه‌ییت برای حال و آینده نیست، بلکه در برگزیده گذشته ابدی نیز هست.

تصویر

تا زمانی که از سر نو متولد نشویم (یوحنا 3:3) در زندگی مسیح که همان زندگی ابدی است قرار نگرفته‌ایم، بلکه در مرگ روحانی به سر می‌بریم که زندگی «آدم» است. به آسانی می‌توان دریافت که اگر کسی از اج‌دامن - که با هاشور روی خط مورب نمودار نشان داده شده است - نمی‌بود، ما هم نمی‌بودیم. از نظر جسمانی، زندگی ما از «آدم» سرچشمه گرفته، پس هرچه که برای او اتفاق افتاده برای ما هم اتفاق خواهد افتاد. زمانی که او گناه کرد و مرد (از نظر روحانی)، ما هم گناه کردیم و از نظر روحانی مردیم - درست همان‌طور که اگر او قبل از به دنیا آوردن بچه ای می‌مرد ما هم مرده بودیم. بنابراین، ما همگی از نظر روحانی مرده به دنیا آمده‌ایم. چون مرگ روحانی دوری و جدایی از خداست. ما به ارزش گناهان نیاز داریم و لیکن محتاج به حیات هم هستیم. عیسی‌مسیح خداوند آمد تا با مرگش برای گناهانمان و قیامش از میان مردگان این مرد را به ما عطا کند. (یوحنا 10:10)

اگر شما مسیحی هستید، این مسأله را از قبل، کم و بیش میدانستید. مواردی که ممکن است هنوز اطلاعی در موردش نداشته باشید از این قرار هستند: برای ایمان‌داران، مرگ جسمانی دروازه‌ای است از زندگی دنیوی همراه

با گناه بسوی خداوند در آسمان. به همین نحو، نوع دیگری از مرگ وجود دارد که دروازه‌ای است از زندگی گناه آلود «آدم» به سوی زندگی ابدی در مسیح. وقتی که شخصی تولد تازه می‌یابد، در واقع در همان لحظه می‌میرد. یعنی او در همان زمان که در مسیح متولد می‌شود، نسبت به زندگی خود در «آدم» می‌میرد.

مسیح زمانی وارد زندگی‌هایمان می‌شود که به او ایمان داشته باشیم و دوباره متولد شویم، اما این همه چیز نیست. ما با تولد تازه خود در 11 ویژگی زندگی جاودانه مسیح شریک می‌شویم. رومیان 6: 3 می‌گوید که ما نه تنها در زندگی مسیح عیسی بل‌که در موت او نیز تعلق می‌یافتیم. ما نمی‌توانیم در یک لحظه دو زندگی متفاوت - زندگی آدم و زندگی مسیح - را با هم داشته باشیم.

هویت ما

وقتی که مسیح را با ایمان می‌پذیریم، به این معناست که مرگ او بر صلیب را به عنوان فدی گناهانمان می‌دانیم. ولی باید بدانیم که این موضوع معنایی فراتر از این دارد. یعنی وارد زندگی تازه ای می‌شویم - زندگی که از گذشته‌های دور تا آینده امتداد دارد. به عبارت دیگر ما تمام زندگی گذشته‌مان در آدم را با زندگی جاوید در مسیح معاوضه می‌کنیم. با شریک شدن در زندگی جاودانه مسیح، وارث شجره‌نامه تازه ای می‌شویم، و در موت، دفن، قیام، صعود و نشستن او در آسمان سهیم می‌گردیم (رومیان 6:3-6، غلاطیانیان 2:20، افسسیان 2:6). او تنها یک زندگی دارد، و ما در تولد تازه‌مان همان زندگی را می‌پذیریم (اولیوینا 5:11-12).

تا وقتی که با ایمان خود در نیابیم که با مسیح وصلوب شده‌ایم، به تلاش خود برای استفاده از روش‌هایی که در زندگی گذشته‌مان یاد گرفته‌ایم، در زندگی تازه خود در مسیح نیز ادامه خواهیم داد. درگیری‌هایی که ریشه در زندگی گذشته‌مان در «آدم» دارند همچنان ما را بسوی شکست و ناکامی می‌کشانند. اما وقتی که با ایمان جایی حقیقی‌مان بر صلیب و یکی بودن در مرگ و قیام مسیح را به دست بی‌آوریم، تنها و تنها می‌توانیم به راستی «در تازگی حیات رفتار کنیم» [رومیان 6:14] (جایی که «چیزهای کهنه در گذشته‌اند، و این‌که همه چیز تازه شده است» (دومقورنتیانیان 5:17). تجربه صلیب - به معنای درک وصلوب شدن و قیام کردن با مسیح - دروازه‌ای است به سوی «به روح رفتار کردن» (غلاطیانیان 5:16). زندگی بدون مرگ و پیروزی بدون شکست تنها هدف و پاسخی است که می‌توان در قبال رنج‌های زندگی یک ایمان‌دار داد. راه ما به سوی صلیب به‌همان نسبت درد و رنج صلیب، راه رنج کشیدن است، اما تنها راهی است که با آن به پایان درد و رنج می‌رسیم.

آیا به اندازه کافی از درگیری‌های درونی و شکست‌های دائمی خسته شده‌اید تا با ایمان، به آن‌ها پایان دهید؟ آیا می‌لید برای تمام چیزهایی که دوست دارید بپذیرید، طوری که بتوانید در او که همه چیز است زندگی کنید؟ برای

انجام اين كار بايد زندگي نفساني را با زندگي مسيح، عوض كرده و از روحالقدس پر شده و از طريق او كنترل شوي. و اگر نه به همان تبعيت از نفس و محزون كردن روحالقدس همراه با درگيريهاي دروني و رنج و شكست ادامه خواهيم داد.

دعا براي نجات

اگر از نگراني كه نتيجه انجام كارها طبق راه و روش خودتان است خسته شده ايد، مسيح قادر است تا شما را از اين وضع آزاد سازد به شرط اين كه خودتان را صادقانه به او بسپاريد و اجازه دهيد او راه خودش را برود. اگر تا به حال مسيح را به عنوان نجات دهندهتان پذيرفته ايد اولين كار اين است كه به خدا اجازه دهيد تا با دادن تولد تازه روحاني شما را از نو بيافريند. ميتوانيد دوباره متولد شوي، اگر صادقانه دعا كرده بگوييد:

«پدر آسماني، متوجه شدم كه گناهكارم، هنوز در زندگي «آدم» به سر مي برم و مرتكب گناه شده ام. ايمان دارم كه يگانه فرزندت، خداوند من عيسوي مسيح را فرستادي تا به جاي من براي گناهانم بميرد. همچنين ايمان دارم او برخاسته و زنده است، و اکنون او را به عنوان نجات دهنده در روح خود پذيرفته ام. خودم را همان طوري كه هستم و هر آنچه كه دارم را به تو تسليم مي كنم. از گناهانم و راههاي مغرورانهم برگشته ام تا در مسيح زندگي تازه اي را شروع كنم. براي نجاتم متشكرم، آمين»

دعا براي يكي شدن

اگر «دعاي نجات» را خوانده ايد، دوباره متولد شده ايد، چون خدا مي گويد به هر كس كه به مسيح ايمان آورد امپتياز فرزند خدا شدن را مي دهد (يوحنا 1:12). چه اين دعا را در حال يا در گذشته خوانده باشيد، خواندن دعا براي يكي شدن اکنون به شما كمك مي كند تا زندگي پيروزمانده و همراه با آرامش مسيح را تجربه كنيد. قبل از اين كه اين دعا بتواند مؤثر واقع شود بايد حقيقتاً از زندگي نفساني خود خسته شده باشيد، بايد با كمك روحالقدس در مورد نكته هاي زندگي مسيحي با قوت خودتان متقاعد شده باشيد و براي تسليم كردن نظارت زندگيتان بايد آمادگي داشته باشيد. اگر چنين شرايطي داريد، اينگونه دعا كنيد:

«پدر شكرت مي كنم براي آمرزش گناهانم، براي بيرون آوردنم از زندگي «آدم» و پيوند دادنم به زندگي «مسيح». حالا من در مسيح هستم. ايمان دارم كه با او مصلوب شده ام، دفن شده ام، برخاسته ام و اکنون با او بردست راست تو نشسته ام. از اين لحظه به بعد پسرت، عيسوي مسيح را انتخاب مي كنم. زندگي مرا نيز مانند زندگي او كن. براي گناه مرده و براي تو زنده هستم، و به روحالقدس تكيه مي كنم تا به من زماني كه مرگم را با مسيح فراموش مي كنم تا سعي كنم زندگي او را با حكمت و نيروي انسانيم ادامه دهم. آگاهي دهد. همه مستيام را به عنوان ابزار عدالت به تو تسليم مي كنم. اجازه ندهد هيچ قسمتي از وجودم براي گناه به كار گرفته شود. شكرت براي وجود مسيح و

زندگي او براي من. خودت را از طريق من جلال بده، در نام مسيح مي طلبم،
آمين.»»